



دقتری برای تاریخ و فرهنگ ایرانشهر

سربه آزدگی از خلق بر آرم چون سرو
گر دهد دست که دامن ز جهان در چینم

حافظ

شکستن رکورد گرمایش جهانی یک و نیم درجه سانتیگراد برای اولین بار در سال ۲۰۲۴

گرمایش و خطر فروپاشی حیات

اشاره: گزارش مشترک توسط: Steven Bernard و Attracta Mooney، Jana Tauschinski

داده‌های مربوط به گرم‌ترین سال، ترس از این را برانگیخته که تغییرات آب و هوایی سریع‌تر از حد انتظار در حال پیشرفت است. به گفته آژانس‌های بین‌المللی برتر، سال گذشته جهان برای اولین بار از مرز گرمایش ۱.۵ درجه سانتیگراد عبور کرد، زیرا افزایش فوق‌العاده در میانگین دمای جهانی، ترس از این را برانگیخته که تغییرات آب و هوایی سریع‌تر از حد انتظار در حال پیشرفت است.



اندازه‌گیری شده در طول بیش از دو دهه اشاره دارد. اما نگرانی‌ها مبنی بر اینکه تغییرات آب و هوایی سرعت گرفته است، با شواهدی مبنی بر اینکه اقیانوس‌های جهان پس از اثر گرمایش طبیعی ال نینو بر اقیانوس آرام، کندتر از حد انتظار خنک شده‌اند، تقویت شده است.

تیم لنتون، رئیس تغییرات آب و هوایی و علوم سیستم زمین در دانشگاه اکستر، افزود: «نکته قابل توجه‌تر این است که سال ۲۰۲۴ و بخش زیادی از سال ۲۰۲۳ چقدر گرم‌تر بوده‌اند. این یک سیگنال واضح از بی‌ثباتی در آب و هوا است - یک سیستم ناپایدارتر نوسانات بزرگتر و پایدارتری را تجربه می‌کند.»

کوپرنیک اعلام کرد که تغییرات آب و هوایی ناشی از فعالیت‌های انسانی، عامل اصلی دمای شدید هوا و سطح دریا در سال ۲۰۲۴ بوده است، در حالی که عوامل دیگری مانند ال نینو، که رسماً در ژوئن گذشته به پایان رسید، نیز در آن نقش داشته‌اند.

انتظار می‌رود امسال تا حدودی به دلیل کاهش تاثیر ال نینو، که چرخه‌ای است، خنک‌تر از سال ۲۰۲۴ باشد. شروع یک چرخه خنک‌کننده ضعیف لا نینا روز پنجشنبه توسط سازمان هواشناسی ایالات متحده تأیید شد. اما سامانتا بورگس از مرکز اروپایی پیش‌بینی میان مدت آب و هوا گفت که احتمالاً هنوز در بین سه سال گرم‌ترین سال‌های ثبت شده قرار خواهد گرفت. وی گفت: «ما اکنون در آب و هوای بسیار متفاوتی نسبت به آنچه والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان تجربه کرده‌اند، زندگی می‌کنیم.» وی افزود که احتمالاً ۱۲۵۰۰۰ سال از زمانی که دما به اندازه امروز گرم بوده، می‌گذرد.

کوپرنیک اعلام کرد که سال ۲۰۲۴ گرم‌ترین سال ثبت شده برای تمام مناطق قاره‌ای به جز قطب جنوب و استرالیا و همچنین برای «بخش‌های قابل توجهی» از اقیانوس‌های جهان، به ویژه اقیانوس‌های اطلس شمالی، هند و آرام غربی بوده است.

به گفته بورگس، سطح آب‌های جوی جهانی در سال ۲۰۲۴ به رکوردی سابقه‌ای رسید و ۵ درصد بالاتر از میانگین سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۲۰ قرار گرفت و «موج‌های گرمای بی‌سابقه و رویدادهای بارندگی شدید را دامن زد که باعث بدبختی میلیون‌ها نفر شد.»

آژانس نظارت کوپرنیک اروپا روز جمعه تأیید کرد که سال ۲۰۲۴ گرم‌ترین سال ثبت شده بوده و میانگین دمای سطح زمین ۱.۶ درجه سانتیگراد بالاتر از سطح پیش از صنعتی شدن قرار دارد، پس از آنکه انتشار گازهای گلخانه‌ای به رکورد جدیدی رسید. این اولین سال تقویمی بود که میانگین دما از هدف توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۵ مبنی بر محدود کردن گرمایش از زمان پیش از صنعتی شدن به میزان قابل توجهی کمتر از ۲ درجه سانتیگراد و ترجیحاً به ۱.۵ درجه سانتیگراد فراتر رفت.

کارلو بوتیمپو، مدیر کوپرنیک گفت: «صادقانه بگویم، من برای توضیح گرمایی که شاهد آن هستیم، با کمبود استعاره روبرو شده‌ام.» وی افزود که «رشته حوادث فاجعه‌بار آب و هوایی در سال گذشته - از سیل گرفته تا موج گرما - یک ناهنجاری آماری نبود، بلکه به وضوح با تغییرات آب و هوایی ناشی از افزایش دی اکسید کربن و متان مرتبط بود.»

کوپرنیک اعلام کرد که سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ گرم‌ترین ۱۰ سال ثبت شده بوده‌اند. تقریباً یک پنجم اقیانوس‌های جهان در سال ۲۰۲۴ گرمای بی‌سابقه‌ای را تجربه کردند. نقشه‌های نشان‌دهنده ناهنجاری‌ها و اوج‌ها در دمای سطح دریا در سال ۲۰۲۴ بدترین و وخیم‌ترین شرایط را نشان می‌دهند. انتشار هماهنگ داده‌های سال ۲۰۲۴ از شش سازمان نظارت بر آب و هوا، تنها چند روز قبل از آن صورت می‌گیرد که انتظار می‌رود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب، ایالات متحده را از توافقنامه پاریس برای مقابله با تغییرات آب و هوایی خارج کند.

برخی از مشاغل در سراسر جهان نیز شروع به تضعیف اهداف آب و هوایی و عقب‌نشینی از تلاش‌های سبز کرده‌اند.

پاتریک مک‌گوایر، پژوهشگر آب و هوا در دانشگاه ریدینگ گفت: «(رسیدن به ۱.۵ درجه سانتیگراد مانند تماشای افتادن اولین دومینو در یک واکنش زنجیره‌ای ویرانگر است. ما با آتش بازی می‌کنیم. هر کسری از یک درجه، طوفان‌های شدیدتر، خشکسالی‌های طولانی‌تر و موج‌های گرمای مرگبارتری را به همراه دارد.» آخرین داده‌ها نشان‌دهنده نقض قطعی توافقنامه پاریس نیست، که اهداف آن به میانگین دمای



فردوسی امامی مذهب بود و نه اسماعیلی / گفتاری درباره اعتقاد و مذهب حکیم ابوالقاسم فردوسی



دکتر حسن انصاری

بترس از خدا و میازار کس

سیاست های فرهنگی حکومت های ترک تبار غزنوی و سلجوقی و با وجود حملات غزها و مغولان همچنان زبان ملی خود، زبان فارسی را حفظ کنند. صدا و سیما مقصر است چرا که در آشنایی واقعی و علمی ملت با این تاریخ کوتاهی کرده؛ شناختی بدون در افتادن در باستان گرایی افراطی. ما باید فردوسی و بنای عظیم و باشکوهی که او در زبان و فرهنگ ایرانی بر افراشت را از نوبشناسیم.

سوم: متأسفانه در دهه اول بعد از انقلاب ما در یک دوره ای گرفتار اندیشه های چپی و روشنفکری چپ از انواع مختلفش از چپ لائیک تا «چپ اسلامی» شدیم. اینجا بود که از «سنت» دور شدیم و تاریخ و تمدن را نادیده گرفتیم. بعد از آن هم عده ای برای بازگشت به «سنت» راه خطا رفتند. گمان بردند سنت یعنی پاک اندیشی دینی، یعنی نفی و پاک سازی تاریخ، یعنی تقابل سازی های تمدنی برای نظام سازی اندیشگی، یعنی خود را محکوم به «حوالت تاریخی» مزعوم دیدن. عده ای که بلندگو هم در اختیار داشتند رفتند به اندیشه فردیدی دلخوش شدند. باز از «سنت» فاصله گرفتند. سنت ملی و دینی ما در طول صدها سال و بل چند هزار سال ما چه بوده؟ نه آیین و فهم دین در بستر تمدنی؟ نه آیین نهضت ترجمه علوم از عصر ساسانی همواره مورد توجه بوده؟ نه آیین و تمدن اسلامی تمدنی جهانی نگر و گشوده بر همه علوم و فنون و معارف و بر «بحث» و «نظر» بوده؟ نه آیین حتی فقه و اصول و کلام ما در گفتگویی با زمینه های تمدنی و با دستاوردهای علمی بشری زمان خود شکل گرفته و متحول شده؟ تمدن ما تمدن ابوریحان و خواجه نصیر طوسی است.

متأسفانه هم در عرصه رسانه و هم در عرصه آموزش و پرورش ما در درک «سنت» به خطا رفتیم. درک سنت مستلزم بر خورداری از درک درست دانشی دینی است و مستلزم داشتن «درک ملی» است. بیاییم آگاهی ملی را تقویت کنیم.

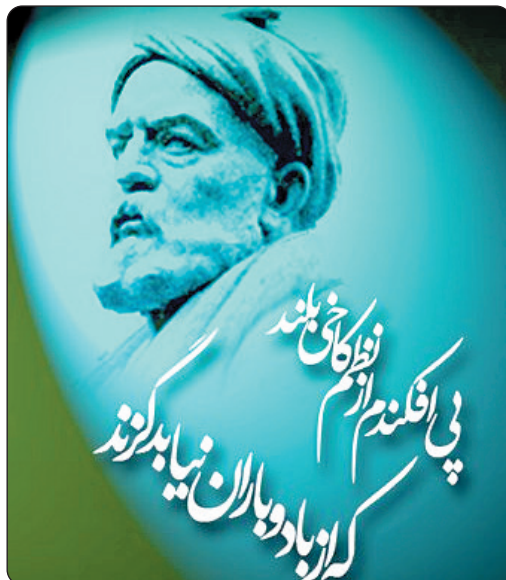
(azbarresihayetarikhi)

استاد زریاب برای اثبات نظر خود ناچار شده اند شماری از ابیات این دیباجه را الحاقی بدانند و ترتیب ابیات را هم به شیوه ای اجتهادی و در مخالفت بانص صریح نسخه های خطی شاهنامه تغییر دهند. طبعاً این کار اجتهاد در مقابل نص است. وانگهی بیشتر آنچه استاد زریاب در تحلیل خود ارائه کرده اند توجه به منظر تنزیهی فردوسی است در مباحث توحیدی و خلقت. آنچه فردوسی در این ابیات گفته به سادگی برای مذهب تنزیهی امامیه و زیدیه هم قابل گسترش است و منحصر به اسماعیلیه نیست. آنچه هم درباره خرد و جان و هستی در این ابیات هست و استاد زریاب به دقت مورد بررسی قرار داده اند به سختی می تواند تنها ناظر به فلسفه نوافلاطونی اسماعیلیان باشد. به نظر من تفسیر خرد و جان در این ابیات به ترتیب به عقل کلی و نفس کلی مستلزم تکلف بسیار است. از دیگر سو، در این ابیات با وجود آنکه از خرد سخن رفته از سهم هدایت الهی به واسطه امام که نقطه محوری تفکر اسماعیلیان است چیزی دیده نمی شود. برعکس شاهنامه ابیات زیادی در ستایش مطلق خرد انسانی و جایگاه آن در تشخیص حق از باطل دارد که در ست بر خلاف دیدگاه اسماعیلیه از دیرباز است که خرد را در هدایت به توحید و معرفت محتاج تعلیم امام معصوم می دانند. باری در اینکه فردوسی شیعی مذهب بوده هیچ تردیدی نیست و به نظر می رسد با توجه به آنچه گذشت دور نیست که بر مذهب امامی باشد (احتمال زیدی بودن او اصلاً مرجح نیست) اما اسماعیلی خواندن او به دلایل متعددی که گذشت و از جمله ابیات زیر در ستایش مطلق خرد بی اشاره به موضوع جایگاه امام معصوم کاملاً غیر محتمل است:

کنون ای خردمند ارج خرد بدین جایگاه گفتن اندر خور
خرد بهتر از هر چه ایزد داد ستایش خرد را به از راه داد
خرد همنای و خرد دلگشای خرد دست گیر دهر دوسرای
ازو شادمانی و زویت غمیست و زویت فرونی و هم زو کمیست
خرد تیره و مرد روشن روان نباشد همی شادمان یکزمان
چه گفت آن سخنگوی مرد از خرد که دانا ز گفتار او تر خورد
کسی کو خرد اندازد به پیش دلش گرد از کرده خویش ریش
هشیوار دیوانه خواند و را همان خویش بیگانه داند و را
از وی بهر دوسرای ارجمند گسسته خرد پای دارد به بند

نکته پایانی که باید اینجا متذکر شوم این است که تأکید فردوسی در ابیات دیباجه بر الهیات تنزیهی به نظر می رسد پاسخ و واکنشی باشد به تفکر مذهبی و تشبیهی کرامیه که می دانیم در دربار محمود از نفوذ زیادی برخوردار بودند. احتمالا همین عوامل کرامی مذهب دربار محمود که اتفاقاً با شیعیان هم سر دشمنی داشتند موجب بی مهری به فردوسی و شاهنامه او را از سوی محمود غزنوی فراهم کردند. بسیاری از اتفاقات سیاسی دربار محمود و از جمله رقابت هایی که در بالا بدین اشاره شد بی ارتباط با نزاع های کرامیه و مخالفان در دربار محمود نبود و از این منظر هم قابل تحلیل است. کرامیه دل خوشی از شاهنامه و سراینده اش نداشتند.

امام فاطمی در مصر نادرست می دانست مانع می شد که محمود را در شاهنامه بستاند. در داستان ها و روایاتی که درباره مذهب فردوسی در منابع قدیم و از جمله در چهار مقاله عروضی سمرقندی نقل شده فردوسی یا «رافضی» خوانده شده و یا «رافضی» معتزلی مذهب. اسماعیلیه را هیچ گاه رافضی نمی خواندند. حتی خود نویسندگان اسماعیلی خراسان هر گاه از رافضیه یاد می کردند منظورشان امامیه و مذاهب وابسته به آنان (و حتی غلات) بود و خود را «رافضی» نمی دانستند کسانی مانند ابوحاتم رازی و ابو یعقوب سجستانی. این دومی معاصر کهنسالت فردوسی بود. «رافضی» معتزلی مشرب یا باید به زیدیه معنا شود و یا امامی مذهب با گرایشات معتزلی که می دانیم هر دو گروه آن زمان در خراسان و به ویژه نیشابور تعدادشان کم نبود. فراموش نکنیم که شیخ طوسی، همشهری فردوسی در ست همان سال هایی که فردوسی در کار شاهنامه بود در این شهر رشد و نمو کرد و در نیشابور نزد عالمان امامی فقه و حدیث و کلام فرامی گرفت. این ترکیب «رافضی» و «معتزلی» نمی تواند اشاره به اسماعیلیه باشد و چنانکه گفتیم در آن دوران دشمنان اسماعیلیه آنان را باطنی و قرمطی می خواندند و حتی از تعبیر اسماعیلی هم استفاده نمی کردند. مرحوم زریاب در مقاله خود نوشته اگر واعظ طوس مانع از تدفین فردوسی شد به دلیل این بود که او را اسماعیلی و باطنی می دانست؛ چرا که اهل سنت امامیه و زیدیه را خارج از مسلمانی نمی دانند و بنا بر این طبعاً نباید واعظی سنی مذهب مانع از تدفین او در قبرستان مسلمانان شود. این نظر درست نیست، رفتار آن واعظ هر چه بود خارج از اصول بود و از این رفتار های بی اصول کم در تاریخ اتفاق نیافتاده است. این نمی تواند قرینه ای باشد بر اسماعیلی بودن فردوسی. مرحوم زریاب در مقاله پیشگفته و بر اساس شماری از ابیات دیباجه شاهنامه و تحلیل محتوای دکتریتال آن به این نتیجه رسیده اند که فردوسی اسماعیلی مذهب بود و از فلسفه تنزیهی نوافلاطونی آنان تبعیت می کرد.



اشاره: پیش از آنکه مقاله «در مذهب فردوسی» را به قلم استاد شیعه پژوه معاصر آقای دکتر حسن انصاری بخوانیم، نقدوی بر سیاست رسانه ای، تبلیغی، سیما و صدا و مسیر آموزش فرهنگی را در بیراهه سالها و دهه های اخیر مرور می کنیم. یادداشتی در دمنده که وارد و بلکه مشهود است و غیر قابل کتمان. قبل از مقاله هم عبارتی از دکتر محمد دهقانی، استاد نکته سنج و دانای ادبیات آورده ایم که جانمایه اندیشه و اعتقاد حکیم گر انمایه فردوسی توسی است.

اول: مقصر اصلی جولان رسانه های فارسی زبان خارج کشور که به جای منافع ملی ایران منافع دیگران را دنبال می کنند و بی اعتمادی عمومی به ویژه در بین طبقه نوجوان و جوان به رسانه های داخلی و ملی، صدا و سیماست. این سازمان ظاهراً متوجه سهم مهم رسانه در اعتماد سازی ملی نیست. با توهم و شبه علم و صرف ادعا و حرف های بی پشتوانه نمی توان اعتماد نسلی جدید را تضمین کرد. رسانه ملی باید در حکم مدرسه و دانشگاه باشد؛ باید در فرهنگ سازی و آموزش و آگاهی ملی نقش خود را به درستی ایفا کند. این تنها با تخصص متعهدانه ممکن است. آیا گوش شنوایی هست؟

دوم: صدا و سیما در طول سال های گذشته به وظیفه خود در آگاهی بخشی به ملت کوتاهی کرده. آگاهی ملی و آشنایی با تاریخ سه هزار ساله ایران. تاریخ ملت ایران از مادها تا هخامنشیان و تا حمله اسکندر به ایران و دوران یونانی مابی و تا دوران بازگشت ایران در قامت دولت های اشکانی و ساسانی. آگاهی تاریخی دقیق درباره فرهنگ و زبان و ثروت های فرهنگی ما ایرانیان. اینکه چگونه ایرانیان توانستند در برابر نهاد خلافت اموی و عباسی پایداری نشان دهند و خیلی زود با تأسیس حاکمیت هایی مانند آل بویه و با الگو برداری از ساسانیان و با کمک عامل تشیع هویت سیاسی و فرهنگی و زبانی خود را از نو احیاء کنند. اینکه چگونه توانستند با وجود صدها سال

بترس از خدا و میازار کس

دکتر محمد دهقانی در کتاب شاهنامه فردوسی و ادبیات، از مجموعه تاریخ ایران چاپ نشر نی از جمله می نویسد:
از حیث اخلاقی فردوسی دین داری را در بی آزاری خلاصه می کند و ترس از خدا و بی آزاری را ملازم یکدیگر می بیند:
بترس از خدا و میازار کس

ره رستگاری همین است و بس
از همین روست که به آداب و شعایر مذهبی تقریباً هیچ اعتنایی ندارد.
با همه دشمنی ها و کینه توزی هایی که در شاهنامه میان ایرانیان و تورانیان می بینیم، هرگز شاهد این نیستیم که آن ها به دلایل مذهبی مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند و اصولاً از این حیث تفاوت آشکاری میان آن ها دیده نمی شود.

... جهانی که فردوسی در شاهنامه ترسیم کرده، در مقایسه با دنیای واقعی روزگار او، از تعصب مذهبی و جنگ های عقیدتی تا حد زیادی برکنار مانده است. یکی از عوامل محبوبیت فردوسی میان عموم مردم ایران نیز بی گمان همین احتراز از جدل ها و خصومت های خطرناک دینی و عنایتش به جنبه های اخلاقی و انسانی دین در معنای عام کلمه بوده است.

در مذهب حکیم ابوالقاسم فردوسی

درباره مذهب حکیم سخن بسیار گفته شده. برخی او را زیدی مذهب می دانند. برخی هم شیعه امامی و البته شادروان استاد عباس زریاب خوبی او را بر مذهب اسماعیلی می دانست. در مقاله عالمانه ای که مرحوم زریاب در شماره دهم مجله ایران نامه با عنوان "نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه" منتشر کرد با توجه به دیباجه شاهنامه و آنچه درباره خداوند و خلقت او فردوسی به نظم سروده استاد زریاب این نظر را مطرح کرد که فردوسی بر مذهب اسماعیلی بوده. احتمال اینکه فردوسی بر این مذهب باشد با توجه به اوضاع خراسان و طوس در زمانش البته بعید نیست. گرچه در آن دوران و در عصر محمود غزنوی به دلایل و انگیزه ها و رقابت های سیاسی اسماعیلی خواندن برخی از رجال و دولتمردان و اعضای خاندان های با نفوذ بیشتر جنبه اتهام آمیز داشت و برای از میدان به در کردن رقبا به کار می رفت. نمونه اش داستان حسک وزیر است از آل میکال که صرافاً به همین انگیزه ها قرمطی خوانده شد و دست آخر به همین اتهام به دار آویخته شد. شاید یکی از دلایل بی مهری به شاهنامه فردوسی در دربار محمود هم به همین رقابت ها بازمی گشت؛ خاصه که می دانیم حسک وزیر از او حمایت می کرد. با این وصف فردوسی هیچگاه به قرمطی بودن متهم نشد. او در مقام حکیمی دانشمند اگر بر مذهب اسماعیلی بود حتماً موضوعی منفی نسبت به محمود غزنوی می داشت و باور های مذهبی او که هر گونه مشروعت و عبت بخشی به محمود را با وجود حضور

آرامگاه معین الدین چشتی در آجمر، هنگام برگزاری مراسم مخصوص مذهبی، یکی از زنان خانواده آن شیخ می‌یابد شمع روشنی را در بالای محل اجتماع زنان روشن کند و هنگامی که شمع را روی مزار قرار می‌دهند، زنان نیز حق ورود به مرقد را پیدا می‌کنند. باین حال، اغلب زنان از حقوق معنوی نیز برخوردار نبوده و حتی در صورت اشتها به پارسایی و مقام عرفانی نیز نام آنها را نمی‌بردند و تنها با عنوان خادمه خداوند یا همسر فلان و دختر بهمان و مادر پسران نامیده می‌شدند. به ندرت نام زانی چون بوبو راستی در برهانپور هند یا بانویی به نام فاطمه حجارانی در سند که به مقام مرشدی هم رسید، دیده می‌شود. حتی در عثمانی هم به جای نام آنها اشارت‌های شاعرانه را مطلوب دانسته و بر مزار برخی زنان عارفه می‌نوشتند: نظیر پیشی‌لی سلطان به معنی بانوی صاحب گربه کوچک و یا کاری آغدی سلطان یا بانو برف باریده است! در شبه قاره، اغلب زانی که صاحب اسم و رسم هستند، بانوانی در افسانه‌های بومی و روستایی اند که از فرط عفت یا برای حفظ عفت به نحوی افسانه‌وار در گذشته‌اند. گاهی زیارتگاه‌های کوچک و دور افتاده‌ای برای این صاحبان افسانه‌ها ساخته شده است.

سرانجام این که مطالعات دانشگاهی در دوران اخیر، بسیاری از زنان را به تصوف علاقمند ساخته که برخی از آنان نیز به نظام و سلسله مراتب سنتی، از طریق پیر یا شیخ رجوع می‌کنند. برخی بانوان ثروتمند در ایران، ترکیه، مصر و حتی کشورهای عرب خاورمیانه نیز جزو مریدان معتبر طریقت‌های تصوف هستند که البته غالباً تقننی معنوی محسوب می‌شود. اما مطالعات و منابع عالی و آموزش‌های دانشگاهی، زمینه‌آثر گذاری برابری میان زنان و مردان در عرصه معارف عرفانی و شناخت تصوف را فراهم ساخته است. این گرایش، حتی در میان دانشجویان غیرمسلمان در کشورهای غربی نیز دیده می‌شود.

نکته آخر این که بسیاری از محققان تصوف در ابتدای سلسله زهد عارفانه، حضرت فاطمه زهرا (س) را مدنظر قرار داده‌اند. چهره و شخصیتی بی‌نیاز مهم که از طریق پدرش حضرت محمد (ص) نور محمدی را حمل می‌کند و از طریق همسرش علی (ع) که سر سلسله اقطاب تصوف و فتوت است موقعیتی ممتاز یافته است. او مادر امام دوم و سوم شیعیان است. شیعیان از دختر فاضله و شجاع وی حضرت زینب نیز که بسیار پارسا و عالم بود در همین سلسله یاد می‌کنند. لویی ماسینیون، نه تنها از موقعیت دینی و تاریخی فاطمه (ع)، بلکه رمز گونگی مرتبه و نام و منزلت وی سخن گفته و او را نماد ارتباطی عارفانه با جهان ملکوت دانسته است. باین همه، انگاره‌های تاریخی و مذهبی بر این نوع نظر به‌های تصوف شناسانه و عرفانی غلبه دارد.

مهم‌ترین اثری که قلم‌دار باب زنان صوفی نوشته‌اند، اثر کلاسیک سلمی به نام «ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات» است که تذکره‌ای عالی درباره زنان عارفه صوفی در صدر تاریخ صوفیه قلمداد می‌شود. ابن عربی و جامی نیز بخش‌های مستقلی از آثار خود را به زنان عارفه اختصاص داده‌اند. در دوران جدید، آن ماری شیمیل، پژوهش‌های مفیدی درباره موضوع فوق داشته که مهم‌ترین آنها زن در عرفان و تصوف اسلامی است. امروزه محبوبیت تصوف در میان زنان و فعالیت آنان در این زمینه، فراتر از گذشته است. در ایران گرایشات متنوعی از عرفان‌های وارداتی و مدیتیشن یا آموزش زن و مراقبه به سبک استادان هندی و بودایی، تا در آملدن به سلک طریقت و بیعت با شیوخ و سفر و زیارت مقابر مشایخ بزرگ عرفان توسط بانوان رواج تام دارد. گیتی خوشدل یکی از آموزگاران و مترجمان مراقبه و مدیتیشن در ایران است که کتاب‌هایش خوانندگان زیادی داشته و دارد. روان‌شناسی بر اساس مراقبه و معرفت نفس و طی مراحل، یوگا و اعمال و آداب تمرکز جسمی و روحی در این گرایشات هم‌پای آموزش‌های نظری و طی طریق متعارف صوفیان مورد توجه است. شیوا کاپوآنی نیز محقق و مترجمی عرفان مسلک است که تألیف و تحقیق در عرفان نظری را رانیز دنبال کرده است. در اروپا و آمریکا زنان برجسته‌ای در تصوف اشتها دارند. از جمله فیلیپا دو مینیل که بانام صوفیانه شیخه فریحه فاطمه، رهبر فرقه نوراشکی جراحی در نیویورک است. دوریس لسیینگ رمان نویس بزرگ انگلیسی و برنده جایزه نوبل نیز یک صوفی عضو فرقه نقشبندی است.

تاج‌الدین نیز نمونه‌های دیگری از صوفیان قرون هفتم و هشتم هستند.

از این زمان به بعد با گونه‌ها و تفسیرهای متفاوتی نسبت به زنان به‌طور کلی و زنان صوفی روبه‌رو می‌شویم. همزمان با رشد تشکلهای و سلسله‌های صوفی و بسط اقتدار و سازمان این جریان‌ها، کیفیت متفاوتی از انگاره‌های جنسی و تفاوت‌ها نیز شکل می‌گیرد. اما تصوف نسبت به قوانین سخت‌گیرانه حکومت‌ها و نگاه حقوقی فقها و مردسالاری رشد یافته در عرف اغلب جوامع و کشورهای اسلامی وضع بهتری در نگاه به منزلت و موقعیت زنان دارد. در خانواده مولانا جلال الدین، کراخاتون که از خانواده‌های مسیحی بود، رابعه ثانی نامیده می‌شد و کیمیاخاتون مقام و مرتبه خاصی داشت. دختران مولانا و عروسان او نیز در زمره مریدان بودند و بعدها در مناطق ترکی، اعضای مؤنث نظام تصوف را باجی می‌نامیدند که بر نسبت معنوی خواهرانه تأکید دارد. شورانگیز تر از مولانا، ابن عربی و نقش زنان در زندگی و آثار اوست. او از زنان عارفه و صاحب کرامات اشیاییه نام می‌برد که فاطمه بنت المثنی نمونه برجسته ایشان و صاحب کرامات بسیار بود. همچنین شمس و سرانجام دختر کی اصفهانی به نام نظام دختر امام مقام ابراهیم در مکه که ابن عربی را دچار حیرت و شیفتگی غریبی کرد و اشعار شورانگیزی در پی عشق او سرود. همچنان که در مکه زینب القالیه مرید زبیر و ثروتمند ابن عربی نیز توجه او را جلب کرده بود. ابن عربی به زنان توجه زیادی داشته و همسر و دو خواهرش از قداست مقام عرفانی برخوردار بوده‌اند و از پانزده نفری که وی از نظر معنوی، خرقة بدیشان بخشید، چهارده تن زن بودند. جامی نیز این امر را تأکید کرده است و ابن عربی نه تنها به زنان جواز شرکت در کلاس‌ها و ارائه نظرات و تفاسیر عرفانی می‌داد، معتقد بود می‌توانند به مقام والای قطب نیز برسند.

در نظام خانقاهی، از ابتدا زنان حضور داشتند. در خانقاه ابوسعید ابوالخیر در میهنه، زنان حضور داشتند و پس از اجازه شیخ و استاد، همچون بی‌نیازی به خانقاه ابوسعید وارد می‌شدند. بعدها تنها به عنوان ناظر اعمال و مواظب یا در اتاق جداگانه یا قیسمتی که پاره‌جدامی شد حاضر می‌شدند. اما به تدریج در اغلب خانقاه‌ها و سلسله‌ها محدودیت‌هایی ایجاد شد تا از حرف و حدیث و تهمت‌های جنسی در این باب بکاهند. تنها بکناشی‌ها در ترکیه اجازه حضور گسترده به زنان دادند که آن هم با واکنش وسیع افکار عوام و متعصبان مذهبی، و حتی بعدها با انتقاد متجددان روبه‌رو شده و بدین علت و بر اثر آن آزار بسیار دیدند. از قرن ششم هجری به بعد، خانقاه‌های مخصوصی برای زنان وجود داشته که ما از وجود آن، حداقل در مکه و مدینه و بغداد خبر داریم و این سه شهر در آن دوران مراکز بااهمیتی در جهان اسلام به‌شمار می‌رفتند. خانقاه بغداد که دارالفلک نام داشت و در ساحل غربی رود دجله قرار داشت توسط یک زن تأسیس شده بود و دختر آخرین خلیفه عباسی نیز رباطی برای زنان ساخته بود و آن را مدیریت می‌کرد. زنان بزرگ و مدیره موعظه می‌کردند و گاه مشایخ بزرگ و پیران آنها را تقدیس کرده و خطابه‌ای ایراد می‌کردند. در ایران، اغلب زنان و دختران صوفیان و پارسایان بزرگ از منزلت مشابهی برخوردار بوده‌اند. نوه احمدجام در خانقاه نیای خود چله‌نشین می‌کرد و امینه خاتون نوه او حدالدین کرمانی، شاعر قرن هشتم در دمشق به تعلیم و ریاضت می‌پرداخت. در دوران جدید نیز همسر میرزا حبیب خراسانی مجتهد عارف مسلک عهد مشروطه و دختر وی اهل زهد و سلوک و بدین امور مشهور بودند. از دختر خوانده‌اش اشعار زیبایی نقل شده است.

امادر حوزه شبه قاره، با توجه به موقعیت خاص زنان، تصوف به گونه خاصی در میان آنان تجلی داشت. آن ماری شیمیل، پیتر اوان، شمیم عباس و برخی دیگر از محققان به تفصیل در این باره تحقیق کرده‌اند. عمده‌ترین توجهات از زمان بایری‌ها جلب می‌شود. جایی که خواهرداراشکوه، فاطمه جهان‌آرا، تحت آموزش‌های نظری عمیق عرفانی بود و داراشکوه درباره استاد خود بی‌بی جمال خاتون یک فصل کامل سخن گفته و از وی به عنوان یکی از عرفای بزرگ قادر به نام می‌برد. برادرزاده داراشکوه، دختر اورنگ‌زیب به نام زیب‌النساء و خواهرش زینت النساء نیز اهل عرفان و امور خیریه بودند. باین همه در بسیاری از زیارتگاه‌ها و مساجد زنان حق ورود نداشتند و باید از کنار پنجره عبادت کنند. حتی حق ورود به مزارات را هم ندارند و به ندرت همچون



یک بررسی تحلیلی در تاریخ تصوف زنان

زنان صوفی



مرزیه سلیمانی

از نخستین روزهای تاریخ اسلام، برخلاف محدودیت‌ها و تبعیض‌هایی که در باورها و مناسبات وجود داشت، صوفیان برای زنان بر جسته و مؤمن جایگاه خاصی قابل بودند و آن‌ها را نماد تقدس، فضیلت و اقتدار معنوی

می‌دانستند. این امر شامل همه گروه‌های صوفی نمی‌شد، اما شماری از آنها دارای نگرشی متفاوت و منشی برابر انگارانه بودند. پژوهشگران جدید در بررسی تاریخ تصوف با زانی مواجه شده‌اند که نقش رهبری و مرشد معنوی صوفیان را بر عهده داشته‌اند و به اصطلاح «عارفه» و «شیخه» نامیده می‌شدند. در برخی از جوامع اسلامی، زنان مرشد، به‌عظ و تبلیغ می‌پرداختند، اگر چه غالباً مجالس خطابه یا شعر خوانی ایشان به جمع زنان محدود می‌شد. در موارد دیگر، حتی پیران طریقت و اصحاب زهد و تصوف نیز به مقام والای برخی زنان اذعان داشته و در نقش شاگردان‌ها ظاهر می‌شدند. جهان‌آرا، رابعه عدویه و دو تن از استادان مؤنث ابن عربی که خود شرح حال مختصری از آن‌ها به دست داده از آن جمله‌اند.

در سال‌های اخیر، با توجه به رشد منزلت و موقعیت زنان در جهان و از جمله افزایش سواد و آگاهی زنان در جوامع اسلامی، توجه عمیق‌تری نسبت به نقش بانوان برجسته در تاریخ اسلام و تصوف میندول شده است. کتاب کلاسیک مارگرت اسمیت و تحقیقات آن ماری شیمیل در این حوزه، به همراه برخی نوشته‌های لویی ماسینیون و کتاب‌هایی نظیر تک‌نگاری عبدالرحمن بدوی درباره رابعه، انگیزه‌های بیشتری برای کاوش در نقش زنان صوفی ایجاد کرده است. معمولاً رابعه عدویه را برجسته‌ترین نماد کلاسیک زن در تصوف قلمداد می‌کنند چنان که شیمیل و بدوی بر این باوراند. هر چند احمد مهدی و دامغانی در مقدمه ترجمه فارسی زن در عرفان و تصوف اسلامی اثر شیمیل نظر او را نقد کرده و از فقدان منابع درباره رابعه تا قبل از اواخر قرن پنجم خبر داده است. زیبایی اشعار و قصص و منقولات مربوط به رابعه، خاصه روایات عطار و جامی، همواره سبب برجستگی چهره رابعه یا تاج‌الرجال شده و حتی خادمه او به نام مریم بصریه نیز در عداد زنان محترم صوفیه ذکر شده است. اما قبل از رابعه، حتی در زمان حیات پیامبر (ص) از ام حرام، خاله آنس بن مالک که از اصحاب و خادمان رسول الله (ص) بود و در زمان خلافت معاویه همراه سپاه اسلام در قبرس به شهادت رسید سخن گفته و پارسایی صوفیانه به او نسبت داده‌اند. بجز اینها، فهرست پرتعدادی از بانوان زاهده و عارفه را در کتب تراجم و طبقات و تذکره داریم که غالباً جز اسمی از آنها نمانده و گاه

اشعاری شورانگیز در عشق الاهی از آنها برجای مانده و یا به آنها نسبت داده‌اند. اما غالباً بجز داستان‌هایی در شدت پارسایی ایشان چیز دیگری در دست نیست. بحریه موصیله و ریحانه والیه و امه الجلیل در قرون اولیه و رابعه شامیه، عارفه‌ای از قرن هشتم، نمونه‌هایی از این زنان‌اند که شعرهایی صوفیانه بدان‌ها نسبت می‌دهند. یکی از شخصیت‌های جالب در این میان شاولانا یا شعوانه، صوفی قرن دوم است که فضیل بن عیاض از او التماس دعا داشت. نظیر او زن پارسایی به نام امینه رملیه اهل سوری (۸۴۱۰ م) است که بشیر حافی و احمد بن حنبل از او تقاضای شفاعت نزد خدا داشتند. غزالی رؤیاها و مکاشفات به شاولانا نسبت داده و کراماتی از آن زن نقل کرده است.

در اغلب تذکره‌ها، به چنین زانی برمی‌خوریم، چنان که سمری سقطی کرامتی از یک زن در میان مریدان خود می‌بیند. هنگامی که خبر غرق شدن پسرش را به او داده و او بر زنده بودنش تأکید می‌کند و سرانجام کودک را زنده می‌یابد. برجسته‌ترین چهره زن صوفی در ایران، مربوط به نظام اجتماعی و معرفتی جوانمردان است و فاطمه نیشابوری (۸۴۹۰ م) ملقب به ام علی، همسر احمد خضرویه صوفی اهل فتوت است که با ذالنون مکاتبه داشت. فاطمه دیدارهایی با بایزید بسطامی داشته و گویند حجاب هم در میان ایشان نبود تا آن که بایزید حنای دست یا خال چهره او را دید و فاطمه به دلیل این نزول معنوی بایزید، دوباره چهره در حجاب کرد. این نوع داستان‌ها درباره زنان صوفی به گونه‌های مختلف نقل شده و دائماً باز تولید می‌شود. اما محتوای اندک مذاکرات و نقل قول‌های فاطمه بیانگر زرفای معرفت عرفانی و کیفیت والای زهد و ایمان وی بوده است. بجز همسر احمد خضرویه، برخی همسران صوفیان دیگر نظیر همسر احمد بن ابی الحواری، صوفی قرن سوم و محمد بن علی حکیم ترمذی (۹۳۶ م) نیز مشغول توجه و دارای مقاماتی بوده‌اند. همچنین دختران و خواهران صوفیان بزرگ که نامشان در منابع و تذکره‌ها آمده، نظیر خواهر حلاج و بشیر حافی و ذالنون و فاطمه دختر صوفی معروف ابوبکر کتانی (۹۳۴ م) که هنگام شنیدن موعظه‌ای از زبان سمئون محب صوفی نامدار قرن سوم، از شدت شیفتگی در گذشت. نقل است که شبلی به همراه یکی از مریدان زن خود به نزد حلاج رفت و از او درباره تصوف پرسید. در قرون اولیه بر تمایزهای جنسیتی کمتر تأکید می‌شد و خصوصاً فتوتیان خراسان انجمن فتوت زنان داشتند. به گفته لویی ماسینیون، کریمه مروی (۱۰۷۰ م) به همراه خدیجه چهنیه (۱۰۶۷ م) بزرگان انجمن فتوت زنان بوده و تشکیلاتی تأسیس کرده بودند. مقام کریمه چنان بود که ابو حفص عمر سه‌روردی به تکریم از او یاد کرده است. شهده کاتبه ابری صوفی قرن ششم، ام محمد عایشه و فاطمه بنت

ایران و جهان در آینه تاریخ

مجموعه مقالات بر گزیده همایش بین المللی در صوفیه

دانشجو در سال تعطیلی نمی شوند و به حیات علمی خود ادامه دهند را حفاظت شده می گویند و به همایش مذکور از طرف گروه ایران شناسی این دانشگاه با همکاری مرکز مطالعات ایران، بالکان و اروپای مرکزی در شهر صوفیا پایتخت بلغارستان و مشارکت دانشگاه علامه طباطبائی دانشگاه تهران و دانشگاه گیلان، به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس گروه ایران شناسی دانشگاه «کلیمنت آخرید سکی مقدس» در شهر صوفیه در کشور بلغارستان در جنوب شرقی اروپا برگزار شد. مجموعه مقالات برگزیده آن در دو بخش فارسی و انگلیسی به کوشش دکتر نعمت الله ایران زاده (عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی) و دکتر ایوو پانوف (مدیر بخش ایران شناسی دانشگاه صوفیه بلغارستان) و دکتر علیرضا پورمحمد (عضو هیات علمی دانشگاه صوفیه بلغارستان) و دکتر نرگس جابری نسب (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب) با کیفیتی مطلوب تدوین گردیده و به زور چاپ در آمده است.

بخش فارسی این مجموعه شامل ۱۶ مقاله برگزیده و بخش انگلیسی این مجموعه شامل ۱۶ چکیده و ۶ مقاله برگزیده به زبان انگلیسی است. عنوان برخی از مقالات چاپ شده در بخش فارسی به این ترتیب است: راه های ورود کلمات فارسی در زبان بلغاری (ایوو پانوف)، نگاه آلمان شهری در شعر قیصر امین پور (نعمت الله ایران زاده)، عرفانی ایرانی و ترویج عرفان ایرانی در شبه قاره (نرگس جابری نسب) سنت سفرنامه نویسی اروپاییان و دیدگاه آنان درباره ایران (عباس پناهی)، بررسی شناخته شده ترین متون خلقیات ایرانیان (آرمین امیر) تبارشناسی بر ساخت «مسئله ایلات و عشایر» در جامعه شناسی تاریخی ایران (علی جنادله)، سلسله اشرفیه شکوفه ای از درخت تصوف اسلامی ایرانی در هند (نیره ایبات)، آیین گنوسی و تأثیر آن بر شاعران کلاسیک دوره بینابین (پروانه والامهر)، فلسفه، الهیات و ادیان ایرانی باستان (منصور میر)، تصحیح واژگانی و بحث درباره وزن سروده بنای همدان (محمد امیر جلالی، امیر حسین سالک)، زبان شعری و محتوای پریشی شعر شاعران دهه هفتاد ایران (محمد یعقوبی)، مفهوم منجی در شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث (زهره قربانی مادوانی)، خودکشی در اندیشه سیوران و صادق هدایت، هابی از وسواس مرگ (آدلا چپرو)، دختران دانشجو و ارزش های مادری (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه گیلان) (علی یعقوبی چوبری، معصومه محبی)، آمریکا، باز یگران منطقه ای و موازنه قدرت در سوریه (مژگان قربانی)

از موضوعات مرتبط با تاریخ ایران و تأثیر متقابل فرهنگ ها و تمدن ها را پوشش دهد و سرانجام به بررسی ابعاد مختلف و مشترک تعاملات ایران با دیگر تمدن ها از آن جمله، تمدن های یونان، روم، چین، هندو همچنین کشورهای اسلامی و روابط تاریخی ایران و کشورهای بالکان و اروپای مرکزی بپردازد و در نهایت از دستاوردهای پژوهشی زبان و ادبیات فارسی و نقش محوری ایران در شکل گیری و توسعه تمدن های جهانی مطالبی ارائه دهد.

دانشگاه «کلیمنت آخرید سکی مقدس» یکی از قدیمی ترین و بزرگترین مرکز آموزش عالی در شهر صوفیه کشور بلغارستان است و در آموزش و پژوهش رشته های مختلف از جمله در رشته ایران شناسی به عنوان یکی از رشته های حفاظت شده، فعالیت می کند. برخی از رشته های تحصیلی دانشگاهی که حتی در صورت وجود تعداد بسیار اندک دانشجویان متقاضی، یعنی حتی با یک یادو



به کوشش نعمت الله ایران زاده، ایوو پانوف، علیرضا پورمحمد، نرگس جابری نسب توجه به شناخت وضعیت ایران شناسی در کشورهای جهان و برقراری ارتباط با ملت و دولت ها و توجه به تحولات تاریخی و آسیب شناسی آن، پیوسته مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان و برخی سازمان ها و مراکز فرهنگی بوده است و در طول تاریخ و در سوزمین ها، کار اشاعه فرهنگ با توجه به دو عامل تمایل و ارتباط، شکل گرفته و هر نظام فرهنگی - اجتماعی از محیط که در آن قرار می گیرد و از آشنایی با فرهنگ های دیگر، تأثیر می پذیرد و در نتیجه، زمینه مطلوب و مساعد را برای مطالعه تحقیقات اندیشمندان ممالک به آثار مکتوب تاریخ و ادبیات و علوم فراهم می کند و مالا در تقویت مبانی میراث مشترک فرهنگی و علمی، موثر واقع می شود.

در این راستا، برگزاری همایش های علمی با هدف های فرهنگی و آکادمیک و گردآوری مقالات ارزشمند و گزینش و تدوین پربارترین و دقیق ترین آنها که مجهز به نگارش عالمانه و اصول و مبانی تحقیق باشد، از مواردی است که می تواند امکان استفاده شایان برای علاقه مندان و پژوهشگران را در سوزمین های گوناگون به وجود آورد.

بی گمان، تقویت همکاری های علمی میان ایران و ممالک جهان، زمینه را برای تبادل نظر و گفت و گوی دانشمندان و پژوهشگران یکدیگر در حوزه تاریخ و تمدن فراهم می سازد و پل ارتباطی مهم و مناسبی میان ایران و کشورهای جهان ایجاد می کند و به تبادل نظر و گفت و گوهای علمی در حوزه تاریخ و تمدن ایران با سایر ملل، کمک شایان می دهد.

«ایران و جهان در آینه تاریخ» مجموعه مقاله ها و یکی از آثار مورد توجهی است که انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی در ۴۳۰ صفحه در سال ۱۴۰۰ به طبع رسانده است. این مجموعه، نتیجه برگزاری همایشی بین المللی در شهر صوفیه پایتخت بلغارستان است و از جمله آثاری است که سعی شده در آن، دیدگاه های گوناگون به موضوعات مرتبط با تاریخ ایران را مطرح کند و طیف گسترده ای



دکتر قاسم صافی کلیپانگی
استاد دانشگاه تهران



عمل العبد الضعیف محمد بن محمود بنای اصفهانی

آثار ایران: سمرقند شهری که معماران ایران ساختند



دکتر سید علی میرافضلی

«مجالس تفسیری» اثر فضل بن محب نیشابوری با مقدمه و تصحیح فاطمه زمانی، رحیمه تبرکته شمشیری و علیرضا حسینی، با همکاری میراث مکتوب و انتشارات اطلاعات، منتشر شد. فضل از واعظان و محدثان نیشابور بود که تمایلات عرفانی داشت و گرایش به بایزید و جنید و شبلی و قشیری و این موضوع از خلال مجلس‌های وعظ او و سخنان صوفیانه او نمایان است. این کتاب در چهل و چهار مجلس ترتیب یافته، مؤلف در هر مجلس آیه یا آیاتی را برگزیده و تفسیر کرده است. شیوه مفسر در تفسیر آیات موضوعی است. موضوعاتی چون: ایثار، توحید، اولیاء، تقوا، معراج، مالکیت، والدین، القاب، بکاء، شرب، عید، سلام، رحمت، رؤیت، میثاق، فرح، رزق، عاقبت، ظلم، رجا و ... مورد بحث و نظر واقع شده است.

خطیب مجلس، نخست با طرح مباحث لغوی و شرح الفاظ و کلمات، بحث را آغاز می‌کند و سپس ذیل عنوان اخبار و آثار به ذکر شواهد روایی و نقل احادیث مرتبط می‌پردازد و بعد وارد قسمت نکته‌ها و اشارات می‌شود و لطایف ذوقی و ظرایف عرفانی را با استناد به اقوال عرفا و صوفیان بیان می‌نماید. عنوان بخش پایانی نیاحات یعنی نوحه‌هاست که در تذکر دادن به مرگ و زاری و روز رستاخیز و عقوبات آخرت است.

از سبک و سیاق این تفسیر برمی‌آید که فضل بن محب از سنت تفسیری مفسران کرامی تأثیر پذیرفته، هر چند شواهد و قرائن موجود کرامی بودن وی را نفی می‌کند. سبک ادبی کتاب گونه خراسانی است و این موضوع از فراوانی کلمات و واژگان کهن این اثر مانند بشولیده، همه گینان، زبانیکان، گل‌بریان و ... دانسته می‌شود. با ذکر نمونه‌ای از نثر این اثر فاخر، معرفی آن را به پایان می‌بریم:

«اندر نخل آثار قدرتست، نیمی از وی زهر، نیمی از وی شفا و با زهر حاجزی به میان آن نه تا زهر به انگبین نیامیزد و انگبین با زهر، همچنین تن دربیای معصیت، دل دریای معرفت، حاجزی میان آن نه تا معصیت با معرفت نیامیزد و معرفت با معصیت...».

مجالس تفسیری شامل پنجاه و سه صفحه مقدمه، ۲۶۱ صفحه متن، ۶۰ صفحه تعلیقات و نمایه‌های متعدد و جمعا حدود ۴۲۰ صفحه می‌باشد. به مناسبت چاپ تازه‌ای از این کتاب، در این نوبت، سه یادداشت تحقیقی در بحث اشعار، ویژگی رباعی، به خوانندگان گرامی پیوست فرهنگی تقدیم می‌شود.

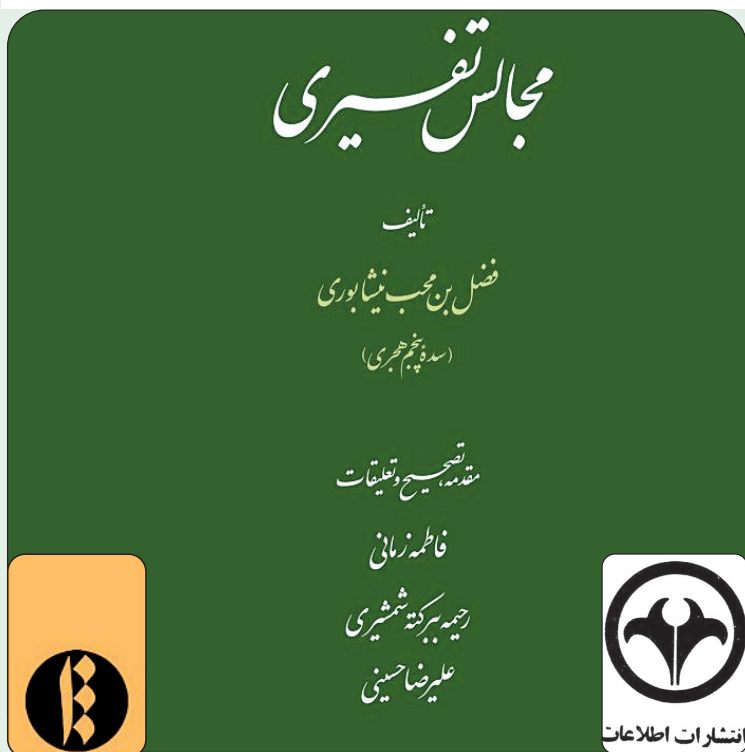
دو رباعی پیوسته^۱

مسعود راسخی پور

مجالس تفسیری فضل بن محب، به تازگی منتشر شده است و حتماً نقد‌هایی درباره آن خواهیم خواند. پیش‌تر آقایان دکتر جواد بشری و دکتر محمد افشین‌وفایی اشعار این متن کهن را استخراج کرده و با تحقیق مفصلی درباره آن در سلسله انتشارات میراث مکتوب به انتشار رسانده بودند. سپس تر آقای دکتر میلاد عظیمی در مقاله کوتاهی درباره بعضی ابیات اظهار نظرهایی کرده بودند که در نشریه گزارش میراث منتشر شد. یکی از مواردی که ایشان نوشته بودند درباره کاربرد «یا» در اشعار منقول از مجالس بود. ایشان معتقدند که «یا» در این متن به معنی «اگر» به کار رفته و شواهدی از این کاربرد را به دست داده‌اند. نگارنده قصد دارد بدون پرداختن به دلیلهای رد این نظر (یعنی کاربرد «یا» به معنی «اگر») مستقیماً به سراغ صورت درست مسئله بروم.

در مجالس تفسیری فضل بن محب رباعی‌ای هست که سه مصرع آن با «یا» آغاز می‌شود و چپستی معنی «یا» در آن گویا مجهول است. اکنون آن رباعی را در متن کتاب^۲ بخوانیم (نک. ص ۳۱ از تحقیق در مجالس تفسیری...):

مجالس تفسیری و رباعیات کهن و کم شناخته



گر حکمت و علم و حلم لقمان داری
گر نعمت و ملک سلیمان داری
گر دیوان را ز بند فرمان داری
با کندن جان بگو چه درمان داری

یا تخت بلور و پایه‌ها ز زر داری
یا فرش به رنگ نقش آزر داری
یا ترک نکوصورت و دلبر داری
چون مرگ آید زین همه دل برداری

توجه به پیوستگی این دو رباعی در متن نشان می‌دهد که گوینده این‌ها را نه مستقل از یکدیگر، که به عنوان دو رباعی پیوسته سروده است و «یا» در رباعی دوم همان معنی همیشگی را دارد: «اگر فلان چیزها را داری با جان کندن چه خواهی کرد؟ یا [اگر] بهمان چیزها را داری آن‌گاه که مرگ فرا رسد همه را رها می‌کنی». در واقع «اگر» پس از «یا»ها در رباعی دوم به قرینه «اگر»های رباعی نخست حذف شده است و رباعی دوم را بدون در نظر گرفتن پیوستگی آن با رباعی نخست نمی‌توان خواند.

اما عظیمی در نوشته خود شاهد دیگری نیز از کاربرد «یا» به معنی «اگر» در اشعار منقول از مجالس تفسیری فضل بن محب به دست داده است (نک. ص ۶۴ از متن تصحیح شده مجالس تفسیری):

یا گنه کرده‌ای تو ای عاصی
پدرت هم گناه کرد آدم
بشری-افشین‌وفایی «یا» را در ابتدای این بیت به «نه» تغییر داده‌اند که باید به همان صورت اصل (= «یا») برگردد. در این بیت می‌توان «یا» را به معنی «اگر» در نظر گرفت، اما هر گاه این تنها شاهد چنین کاربردی باشد باید در درستی این برداشت تردید کرد. دکتر جلال متینی در مقاله‌ای صورت‌های مختلف ادات استفهام (آیا) در متون قدیم فارسی را به دست داده‌اند (راهنمای من به این نوشته مقاله ممتع دوست گرامی، آقای دکتر یوسف سعادت بود) و یکی از آن صورت‌ها «یا» است. آن‌چه در این‌جا به کار رفته است نیز، به احتمالی قریب به یقین، همان «یا» به معنی «آیا» است: «ای عاصی! آیا گناه کرده‌ای؟ پدرت هم گناه کرد [و در ابیات بعد و با زاری و توبه بخشیده شد: تو هم عنبر بخواه و اشک بریز]».

همان‌طور که در یادداشت‌های پیشین آمد، شیوع رباعیات به هم پیوسته در قرن هشتم هجری، نشان از میل تنی چند از شاعران برای فراوری از فرم رباعی دارد که ظاهراً چندان مورد اقبال جامعه ادبی قرار نگرفته و در حد تفتن و ذوق‌ورزی باقی مانده است. از این یمن بیشتر مجموعه‌ای شامل سه رباعی به هم پیوسته نقل کردیم. بنده در مرور رباعیات ابن یمن، متوجه رباعیاتی شدم که مفهوم آن به تهیابی، ناقص می‌نماید. فی‌المثل در آغاز یک رباعی آمده: این هم بشنو ای پسر نیک اختر (دیوان اشعار ابن یمن، باستانی‌راد، ۶۷۲) که مشخص است دنباله یک رباعی دیگر است. با بررسی دستنویس‌ها (خدابخش، ۲۳۰-۲۳۰پ؛ مجلس، برگ ۳۶۴-۳۶۴پ) دریافتیم که این رباعی و چند رباعی دیگر، بخشی از یک منظومه پندآمیز در قالب چند رباعی به هم پیوسته است.

تا آنجا من متوجه شده‌ام، رباعیات زیر جزوی از این مجموعه نصایح است:

***بشنو پسر یک سخن از پند پدر
بی زر منشین که کار زر دارد زر
ور ز آنکه نیاید این حدیث باور
در معنی این رباعی خوب نگر:
***از سبزه چو گل خردگکی چند نمود
بلبل به هزار صوت او را بستود
ز آن پس که به باد رفت برگیش که بود
کس نام گل از زبان بلبل نشنود
***وین هم بشنو ای پسر نیک اختر
از زر مطلب همین زر و هیچ دگر
دانی چه بود معنی برخورداری
یعنی بخور و بدار و با خویش ببر
***پندم بشنو که هر که این پند شنود
شد حاصل عمر او به گیتی همه سود
هم زنگ غم از آینه دل بزود
هم گوی مراد از همه اقران برود
***گر خوش گذرانی، گذرد عمر تو خوش
ور کم زنی، نقش تو آید همه شش
چون می‌گذرد عمر به هر حال که هست
خوش می‌گذران و بار اندوه مکش
***مردم نکند روزی خود بیش به جهد
وز غایت خود کس نرود پیش به جهد
کاری که در آن به سعی تو حاجت نیست
ز نهار مینداز در آن خویش به جهد
***پندی که ز گنج شایگان به باشد
گر بشنوی ای جان و جهان، به باشد
امید به مخلوق گرت هست مفید
آخر در خالق نه از آن به باشد؟
***ای دل! تو اگر ناشنوایی پندی
نزدیک خردمند سزای پندی
دانی که جهان بر گنر باد فاست
آخر به چه خویش را بر او می‌بندی؟
***دادوبی چو بر گشادی اسرار
گفتی: پسر! پند من از دل مگذار
اندک شمر از هست تو را دوست هزار
ور دشمن تو یکی است بسیار شمار

از آنجا که چاپ باستانی‌راد فاقد رباعی اول و هفتم این مجموعه است و سایر رباعیات هم بر اساس تنظیم الفبایی از هم جدا شده‌اند، ربط این رباعیات در این چاپ آشکار نیست.^۳

چند نکته در باب چاپ مجالس تفسیری فضل بن محب نیشابوری

دکتر سید علی میرافضلی
مجالس تفسیری فضل بن محب نیشابوری که اخیراً به همت نشر میراث مکتوب چاپ شده، یکی از منابع ارزشمند رباعیات زاهدانه در قرن پنجم هجری است. پیشتر، دکتر جواد بشری و دکتر محمد افشین‌وفایی تحقیق مستقلی در ابیات فارسی کتاب انجام داده و شعرهای کتاب را از روی تک‌نسخه خطی آن استخراج و نقل کرده‌اند.

بیشتر اشعار کتاب، در قالب رباعی است و به نظر می‌رسد همه یا برخی از آن‌ها سروده مؤلف باشد. هیچ کدام از ابیات موجود در متن، در منابع دیگر نقل نشده و یگانه منبع آن‌ها همین کتاب است (رک. تحقیق در مجالس تفسیری، ۳، ۲۱). از همین‌جا، این گمان تقویت می‌شود که مؤلف آن‌ها را به مناسبت مقام و مجلس، به شکل بداهه تقریر و انشاء کرده است. مؤلف گاهی در آخر مجالس خود، دو یا سه رباعی را با ردیف و قافیه و موضوع یکسان گنجانده است که به دلیل همین یکسانی فرم و فضا، به گونه رباعیات به هم پیوسته و سلسله‌وار می‌توان به آن‌ها نگریست (نکته‌ای که جناب راستی‌پور به آن اشاره کرده است). سه رباعی آخر مجلس هفتم (صفحه ۵۵ متن) از این قبیل است:

***گر ملک مصر و رود نیل است تو را
یا قوت شیر و زور پیل است است تو را

میازار موری که روزی کش است!

دکتر علی شاپوران



«کشتن» (مکش) (جان خوش است) را. از این رو می‌شود حدس زد که در شکل اصلی بیت این سازگاری وجود نداشته و یکی از مصرع‌ها متضمن آزدن مور بوده‌است. ضبط غالب نسخه‌ها، و تأیید فرآیند السلوک هم‌نشان می‌دهد که بهتر است بپذیریم مصرع نخست فلورانس/ تصحیح استاد و مصرع دوم تضمین‌شده در بوستان گشته بعدی بوده‌است و ظاهراً ضبط درست بیت را باید چنین پنداشت:

میازار موری که دانه‌کش است

که او نیز جان دارد و جان خوش است

و گرچه قرار نیست هر ضبط اصیل‌تری استوارتر و شیواتر هم باشد، این بیت در هر دو مصرع بر شکل دست‌خورده برتری آشکاری دارد. «روزی» را هم، با وجود برتری‌اش به دلیل دشوارتر بودن و نداشتن اشباع میان واژه (برخلاف دانه)، تا همین چند روز پیش سزاوار اعتنا نمی‌دانستیم، چون جز فلورانس فقط در یکی دو نسخه از اواخر قرن نهم دیده‌بودمش، ولی گویا این ضبط هم ریشه‌دارتر است و باید جدی‌تر به آن اندیشید:

در رساله‌ای موسوم به رسالهٔ چنگ، تالیف قاضی کمال‌الدین مراغی (د. ۶۶۵ ق.) - که در نسخهٔ F. ۵۵۲ دانشگاه استانبول محفوظ^(۱) و میکروفیلم آن به شمارهٔ ۳۴۲ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران دست‌یاب است - این بیت چنین تضمین شده‌است:^(۲)

میازار موری کی روزی کش است

کی او نیز جان دارد و جان خوش است

این کهن‌ترین ضبط مصرع نخست با «روزی» است^(۳) و اگرچه تقریباً تکلیف باقی بیت را یکسره می‌کند، پرسش «دانه یا روزی» را نیز از نو طرح می‌کند که امیدوارم در آینده بتوان به آن پاسخی قطعی‌تر داد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مصحح رساله این نسخه را چند بار معاصر مؤلف و از قرن هفتم خوانده‌است. به گمان من نسخه باید از ۷۰۰ موخرتر باشد و تاریخی حوالی ۷۳۰ برای آن محتمل‌تر است.

۲- نک. رسالهٔ چنگ، تصحیح محمود طیار مراغی، کیهان اندیشه ۷۶، ۱۴۸-۱۵۹ (۱۳۷۶): ۱۵۸. متأسفانه دست‌کم در تصویر من از نسخهٔ استانبول شمارهٔ برگ و صفحه دیده نمی‌شود.

۳- جالب است که نسخهٔ دیگری از این رساله در نیمهٔ نخست قرن نهم کتابت شده که در آن مصرع نخست همانند بوستان آمده‌است.

همه می‌دانیم که سعدی بیتی از شاهنامه را در بوستان (سرایش: ۶۵۵ ق.) تضمین کرده‌است، با وصف زیبایی از فردوسی:

چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد

که رحمت بر آن تربت پاک باد:

«میازار موری که دانه‌کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است»

این بیت در تصحیح استاد خالقی مطلق به پیروی از نسخهٔ فلورانس (تنها نسخهٔ بازمانده از شاهنامه که پیش از سرایش بوستان کتابت شده‌است) چنین آمده:

مکش مورکی را که روزی کش است

که او نیز جان دارد و جان خوش است (ویرایش نخست: ۱۳۲/۱)

استاد خالقی مطلق در مقالاتش حدس زده‌است که شکل منقول در بوستان حاصل تصرف سعدی در بیت شاهنامه است و تکرار آن (به‌خصوص مصرع نخستش) در اغلب نسخه‌های شاهنامه نیز ناشی از تأثر کاتبان از بوستان بوده‌است. البته بیت مزبور در فرآیند السلوک (تصحیح نورانی وصال: ص ۱۶۶) چنین آمده‌است:

میازار موری کی دانه‌کشست

کی او نیز جان دارد و جان خوشست

و فرآیند السلوک در ۶۱۰ هجری تألیف شده‌است و کهن‌ترین نسخهٔ آن ظاهراً مورخ ۶۴۱ است و نسخهٔ دیگری مورخ ۶۸۶ هم دارد. اگرچه استاد بعدها نوشته‌است که آقای علی غلامی - که پایان‌نامهٔ دکترایش بررسی ابیات شاهنامه در سایر کتاب‌های تألیف‌شده تا پیش از ۷۰۰ ق. بوده - این نکته را به ایشان اطلاع داده، در ویرایش دوم تصحیح خود از شاهنامه (چاپ دوجلدی سخن: ۷/۱) نیز همان ضبط فلورانس و ویرایش نخست را حفظ کرده‌است. از نسخه‌های پیش از ۷۵۳ ق. دو نسخهٔ لندن (۶۷۵) و سن‌ژوزف (حوالی ۷۰۰) این بیت را ندارند. مصرع نخست جز فلورانس در نسخ کاما و فری‌یر (هر دو کمی بعد از ۷۰۰) و استانبول (۷۳۱) و قاهره (۷۴۱) همانند بوستان است و در نسخهٔ سن‌پترزبورگ (سابقاً لنینگراد، ۷۳۳) «مکش مورکی را کی دانه‌کش است». در مصرع دوم جز همین نسخهٔ سن‌پترزبورگ - که ضبطش همانند بوستان است - باقی نسخ کهن همه، صرف‌نظر از اختلافات رسم‌الخطی، «که او نیز جان دارد و جان خوش است» دارند.

ظاهراً این اختلاف و دست بردن کاتبان در متن این بیت از آنجا ناشی شده که خواسته‌اند هر دو مصرع یا مضمون «آزار» (میازار/ جان شیرین) را در بر داشته‌باشد یا

این صفحه است:

جَبَّار تویی، تو را رسد جَبَّاری

قَهَّار تویی، تو را رسد قَهَّاری

مورد دوم، سه رباعی انتهایی مجلس بیستم است که نثر مسجع در نظر گرفته شده و پشت سر هم نوشته شده است (صفحه ۱۳۱). این سه رباعی که یک مصرع آن از قلم کاتب افتاده، به قرار زیر است:

*** آیا که سلام مهتر آید یا نه

این محنت من فرا سر آید یا نه

آیا که امید من برآید یا نه

آیا که بشارت اندر آید یا نه

*** آیا که مرا فرا ستاند یا نه

وین دین و هدی به من بماند یا نه

.....

وز داغ قطیعتم رهند یا نه

*** آیا که بود منک معینم یا نه

فرخنده بود روز پسینم یا نه

آیا که به فرش بر نشینم یا نه

آیا که خدای را ببینم یا نه

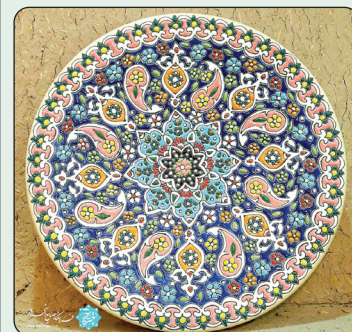
پی‌نوشت‌ها:

۱. دربارهٔ رباعیات پیوسته حتماً دیگران، به‌ویژه استاد سید علی میرافضلی، مطالبی نوشته‌اند و من ندیده‌ام یا به خاطر ندارم. به هر حال بعید است که این کشف تازه‌ای باشد، ولی احتمالاً نمونهٔ تازه‌ای است.

۲. مراد متن کتاب چاپی نیست، چون اصلاً مصححان متوجه نبوده‌اند که این‌ها شعر است و این دو رباعی را نثر فرض کرده‌اند.

۳. تصحیح بشری - افشین‌وفایی در حاشیه به،

۴. این مطلب، بخشی از مقاله‌ای است که سال گذشته در شاهرود برای همایش این‌همین قرائت شده و موضوع آن، «توآوری‌های این‌همین در فرم رباعی» است و قرار است در مجموعه مقالات همایش چاپ شود.



گر نام کنون میر جلیل است تو را
جان در کف دست عزرائیل است تو را
*** گر تاج ز یاقوت و بلور است تو را
گر زر زده بر سنب ستور است تو را
گر خیمه و خرگاه و ستور است تو را
هم آخر کار، خانه گور است تو را
*** گر ملک شامات حجاز است تو را
گر گلشن باغ و مشک‌ریز است تو را
گر تیغ چو ذوالفقار تیز است تو را
هم آخر مرگ، رستخیز است تو را

این مسئله، در آخر مجلس دوازدهم (صفحه ۹۴ متن) و مجلس هجدهم (صفحه ۱۲۴ متن) و مجلس بیستم (صفحه ۱۳۱) تکرار شده و می‌توان آن را به گونهٔ شکل دلخواه رباعی‌سرایی فضل بن محب، و روش مطلوب او برای پایان دادن به مجالس کتاب در نظر گرفت.

به دلیل نقصان نسخهٔ منحصر کتاب، برخی از ابیات یا مصرع‌ها از قلم کاتب افتاده و در نگاه اول، چنین به نظر می‌رسد که ما با شعری نوپدید مواجهیم (رباعیات سه مصرعی، رباعیات مثنوی گونه)، اظهار نظر قطعی در این موارد بسیار دشوار است و بدون یافتن تأییدیه‌ای از منابع دیگر یا نسخه‌هایی که بعداً یافت شود، آن را باید در حد احتمال در نظر گرفت. به طور مثال، در آخر مجلس دوازدهم (صفحه ۹۴) چهار بیت در قالب رباعی نقل شده که دو بیت اول آن، قوافی مختلف دارند و همان طور که بشری و افشین‌وفایی حدس زده‌اند (تحقیق در مجالس تفسیری، ۳۰، پانویس چهارم)، به احتمال زیاد، کاتب، بیت دوم رباعی اول و بیت اول رباعی دوم را جا انداخته است و در اصل کار، سه رباعی سلسله‌وار بوده که به چهار بیت تقلیل یافته است.

تقریباً همهٔ رباعیات کامل کتاب، چهارقافیه‌ای است و این امر انطباق کامل با فرم رباعی در شعر خراسانی قمری دارد. از منظر دیگر، می‌توان برای نظریهٔ غلبهٔ رباعیات چهارقافیه‌ای در حوزهٔ خراسان در قرن پنجم هجری مؤید و مقوم از این متن دریافت کرد و آن را به گونهٔ سندی بر این فرم قافیه‌بندی به حساب آورد.

با اینکه سه مصحح فاضل کتاب، متن تحقیق بشری و افشین‌وفایی را پیش روی داشته‌اند و در نسخهٔ خطی نیز اشعار متن با دایره‌های میان‌تهی شنگرف از متن تفکیک شده، در دو مورد، اشعار متن به صورت نثر پشت سر هم آمده‌اند و در نمایهٔ ابیات فارسی کتاب نیز جایی ندارند. یک مورد آن، در صفحهٔ ۱۲۴ کتاب اتفاق افتاده: مشهور منم به عیب بدکرداری، معروف تویی به جود و نیکوکاری. که در واقع، بیت دوم رباعی سوم



امروز در تاریخ

انگلیسی‌ها، بوشهر را تصرف کردند

۲۳ ژانویه سال ۱۸۵۷ (سوم بهمن)، نیروهای اعزامی انگلستان به ریاست «اوت رام» پس از شش هفته نبرد خیابانی، بندر بوشهر و حومه آن را تصرف کردند تا دولت تهران مجبور شود از شهر هرات و غرب افغانستان امروز صرف نظر کند که از زمان تاسیس کشور ایران به دست کوروش بزرگ، همیشه بخشی وفادار از ایران و کانون فرهنگ و ادب ما بود.

تأسیس دیوان کیفر کارکنان برای مبارزه با فساد

سوم بهمن ماه ۱۳۰۷، سازمان قضایی ویژه و مختص تعقیب قضایی و مجازات مقامات و کارکنان سازمان‌های عمومی (ادارات دولتی، شهرداری‌ها و ...) به نام دیوان کیفر کارکنان دولت با هدف مبارزه با فساد اداری از جمله اختلاس و ارتشاء و پارتی‌بازی که در ادارات دولتی به صورت یک امر عادی درآمده بود، آغاز به کار کرد که در تاریخ ایران یک انقلاب اداری به شمار آورده شده است. علی اکبر داور وزیر دادگستری وقت، خوشنام‌ترین قضات وقت از جمله عبدالعلی لطفی، علی حائری شهاب‌بخ، الهیار صالح و ... را به عضویت در این دین ان منصب کرد.

دستگیری دکتر مهدی آذرو همکارانش

دربی تظاهرات گسترده تهران که از یکم بهمن ۱۳۴۰ آغاز شده بود، سوم بهمن دکتر مهدی آذر، دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر سنجابی (سه همکار برجسته دکتر مصدق) دستگیر و بازداشت شدند. دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ کابینه مصدق و دکتر صدیقی جامعه‌شناس معروف، وزیر کشور در آن کابینه بود.

آغاز حکومت یار لمانی در انگلیس

بیست و سوم ژانویه سال ۱۲۶۵ میلادی، پارلمان انگلستان آغاز به کار کرد و به تدریج حکومت این کشور پارلمانی شد که برای بسیاری از کشورها الگو شده است. در یک حکومت پارلمانی، تعیین رئیس دولت به جای انتخابات عمومی، در دست پارلمان است. چنین دولتی با رأی عدم اعتماد پارلمان برکنار می شود.

www.iranianshistoryonthistday.com

قاب امروز



روستای پاژ، زادگاه ابوالقاسم فردوسی، در حومه مشهد در غبار فراموشی / عکس: داود بهگام - مهر

میرا یہ

تا دل به هوای تو گرفتار آمد

پند بزرگان

آنکه خود را به امور کوچک سرگرم

ممی کند، چه بسا که توانایی کارهای

بزرگ را ندارد.

فرانسوا دو لا روشفو کو

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۳ بهمن ماه ۱۳۶۳ (برابر با اول جمادی الاول ۱۴۰۵، ۲۳ ژانویه ۱۹۸۵) نقل شده است.

جزئیات قرارداد احداث خط لوله نفت و گاز بین ایران و

تو که اعلام شد

آقای میرحسین موسوی نخست وزیر و آقای تورگوت اوزال، نخست وزیر ترکیه پیش از ظهر دیروز (سه شنبه) قرارداد احداث خط لوله انتقال نفت و گاز ایران به ترکیه را در فرودگاه آنکارا امضاء کردند.

آقای «تورگوت اوزال» نخست‌وزیر ترکیه پس از امضای این پروتکل با تأکید بر اینکه امضاء قرارداد مذکور نتیجه مدتها مذاکره است ضمن ابراز امیدواری نسبت به تحقق هر چه سریعتر این طرح، آنرا نمونه‌ای از همکاری بین دو کشور مسلمان خواند که می‌تواند سبب پیشرفت هر دو کشور باشد.

آقای موسوی هم ابراز امیدواری کرد امضای این قرارداد گامی پر خیر و برکت برای ملت‌های مسلمان ایران و ترکیه باشد. پس از امضاء این قرارداد، نخست‌وزیر آن دو کشور، رهسپار استانبول شدند.

اطلاعیه شرکت دخانیات در مورد دریافت انتقادات و

پیشنهادهای زیرمینه سگار

به گزارش روابط عمومی شرکت دخانیات ایران واحد سنجش افکار روابط عمومی این شرکت آمادگی خود را جهت دریافت پیشنهادات و انتقادات و شکایات و هر نوع نظری در زمینه سیگار از ناحیه هموطنان اعلام کرد. هموطنان عزیز علاوه بر تلفن ۵۴۹۶۹۶۴ از طریق ارسال مراسلات نیز می توانند نظرات خود را در رابطه با مسائل دخانیات به واحد سنجش افکار اداره روابط عمومی شرکت دخانیات ا.ا.ا. ارسال دارند.

فرم جدید تقاضای ییگان بزودی منتشر می شود

سرویس اقتصادی - کمیته هماهنگی توزیع خودرو و اعلام کرد اسامی برندگان موتورسیکلت و برندگان مرحله دوم قرعه کشی پیکان تعیین شده است و به زودی از طریق روزنامه‌ها به آگاهی متقاضیان می‌رسد.

از سوی دیگر اعلام شد همزمان با اعلام اسامی برندگان «پیکان» و «موتور سیکلت» که در طول دو هفته آینده خواهد بود، فرم جدید ثبت نام برای اتومبیل پیکان هم چاپ می‌شود.

کشف آثار از تمدن اقوام «اوراتوئی» در قرقه ضیا الدین

ارومیه - یک مکان تاریخی مهم توسط تیم باستان‌شناسی اداره کل ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی روز دوشنبه گذشته در اطراف قره‌ضیال‌الدین مورد شناسایی قرار گرفت.

این تیم باستانشناسی که متشکل از کارشناسان اداره حفظ میراث فرهنگی و واحد باستانشناسی شهرستان خوی است، در ادامه بررسیهای مربوط به امکان باستانی، آثاری که نشانه‌هایی از تمدن اقوام «اوراتویی» را در خود دارد، در روستای «چیر» واقع در ۳۵ کیلومتری غرب قره ضیال‌الدین شناسائی کرده‌اند. این مکان تاریخی یک مقبره صخره‌ای شامل دو اتاقک سنگی با سردر کوچک ارتباطی بفرم هلالی است.

مجلس باید مسئله زمین را حل کند

اصفهان - آیت الله طاهری نماینده امام و امام
جمعه اصفهان در دیدار با دست اندرکاران کشاورزی
اصفهان بر لزوم توجه بیشتر به رونق کار کشاورزی
تأکید کرد.

وی یکی از عوامل مهاجرت روستائیان را عدم توجه مطلوب به کشاورزی دانست و گفت: البته در پی پیروزی انقلاب اسلامی به امر امام امت، توجه خاص به امر کشاورزی شده است و باید برای دستیابی به کشاورزی بهتر و رسیدن بخودکفائی فکر و کار کرد، برای این منظور باید سمینارها برپا شود و فکرها هم بکار گرفته شود و مسائل کشاورزی در اختیار کشاورزان قرار گیرد و از همه مهتر مجلس شورای اسلامی باید مسئله زمین را حل کند زیرا حل نشدن این مسئله مقدار زیادی کار در کشاورزی را به تعویق خواهد انداخت.

سودو کوک *

۲		۵		۴	۹			۸
۶		۸				۷		
	۴						۳	
۵					۷		۶	۱
		۶		۲		۹		
۹	۸		۳					۷
	۵						۷	
		۷				۱		۴
۸			۱	۷		۳		۲

غلامحسین باغبان

طراح جدول

باسمہ

෦	1	2	3	4	5	6	7	8
6	8	5	෦	1	2	3	4	5
3	2	9	6	8	5	෦	1	2
2	෦	1	9	5	3	2	6	8
2	3	6	2	෦	8	9	5	1
9	5	8	1	6	2	2	෦	3
8	2	෦	2	9	1	5	3	6
1	6	3	5	2	෦	8	9	2
5	9	2	8	3	6	1	2	෦

شروح و متن *

[illegible]